



پیامبر(ص) «لیلة القدر» و صاحب مقام قرآنی و علی(ع) وارث حکمت اوست

حضرت رسول(ص) خود «لیلة القدر» و صاحب مقام قرآنی و مقام حکمت است که از آن به مرتبه «جمع الجمع» تعبیر می‌شود و همه اهل ایمان - بسته به درجه ایمان خود - از این حکمت الهی بهره دارند که کمال آن متعلق به پیامبر(ص) و سپس حضرت امیرالمؤمنین(ع) به عنوان وصی و وارث حکمت پیامبر(ص) است.

حضرت رسول(ص) خود «لیلة القدر» و صاحب مقام قرآنی و مقام حکمت است که از آن به مرتبه «جمع الجمع» تعبیر می‌شود و همه اهل ایمان - بسته به درجه ایمان خود - از این حکمت الهی بهره دارند که کمال آن متعلق به پیامبر(ص) و سپس حضرت امیرالمؤمنین(ع) به عنوان وصی و وارث حکمت پیامبر(ص) است.

غلامرضا اعوانی، رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره ارتباط کلمات گهربار حضرت امیرالمؤمنین(ع) با حکمت اسلامی پرداخت و اظهار کرد: ما هرگز نباید فراموش کنیم که قرآن خود را به عنوان کتاب حکمت و حضرت رسول(ص) و همه انبیاء(ع) را در مواضع مختلف به عنوان معلم حکمت تلقی کرده و متأسفانه این نکته در جهان اسلام فراموش شده است.

وی افزود: پوشیده نیست که قرآن، حضرت رسول(ص) را «لِیْلَةُ الْقَدْرِ» معرّفی کرده و این مطلب بارها به تعبیرات مختلف در قرآن آمده است. قرآن این مطلب را نه تنها درباره حضرت رسول(ص)، بلکه درباره برخی از پیامبران دیگر نیز آورده است. در يك آیه قرآن تصریح شده که خداوند از همه پیامبران(ع) میثاق گرفت که در ازای حکمتی که به آنها آموخته، به پیامبری که در آخرالزمان خواهد آمد و خاتم نبیین خواهد بود، اقرار و اذعان کنند.

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: در ابتدای این آیه آمده است که «لِیْلَةُ الْقَدْرِ» خداوند از انبیاء(ع) میثاق گرفت که در ازای حکمتی که به آنان داده ...؛ این نکته نشان می‌دهد که این «حکمت» بین همه انبیاء(ع) و کتب و رسل، عام است. این يك اصل فراموش شده است و باید در این آیات بسیار دقت و آنها را بررسی کرد.

اگر سیر حکمت را در جهان اسلام دنبال کنیم، مشاهده می‌کنیم که این سیر حکمت در بلاد دیگر اسلامی نبوده و آنان همه مخالف حکمت بودند، زیرا همگی مخالف عقل بودند؛ عقلی که در قرآن و کلام ائمه معصومین(ع) آن همه مورد تأکید قرار گرفته است

وی خاطرنشان کرد: نکته دیگر آن است که باید توجه کرد که وارث این حکمت کیست و آیا هر کسی می‌تواند وارث این حکمت باشد؟ آن کسی وارث این حکمت می‌تواند باشد که از حیث معنا و حقیقت، وارث رسول الله(ص) باشد؛ امام علی(ع) در درجه نخست، وصی رسول خدا(ص) شناخته می‌شود و همگان به این نکته اقرار کرده‌اند.

اعوانی ادامه داد: امام علی(ع) کسی است که پیامبر(ص) درباره ایشان فرمود: «لِیْلَةُ الْقَدْرِ»؛ این کلام بسیار مهم است؛ به مدینه نمی‌توان وارد شد مگر از درب آن؛ کلید درب، در دست علی(ع) است و ایشان دربان آن است. این به جهت آن است که ایشان ولی‌الله اعظم، رأس ولایت و صاحب ولایت مطلقه الهیه هستند.

وی با بیان این‌که بنابراین تنها علی(ع) می‌تواند وارث حکمت پیامبر(ص) باشد و اوست که قرآن ناطق است، درباره ارتباط شب قدر با شخصیت پیامبر(ص) و امام علی(ع) گفت: این شب قدری که داریم، بیان زمینی شب قدر اصلی است که در ذات الهی است؛ همه چیز مقدر و متعین شده و قرآن از ذات حق نازل شده است و «لِیْلَةُ الْقَدْرِ» اشاره به همین معنا دارد.

رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران تصریح کرد: مقدر شده که قرآن به حضرت رسول(ص) نازل شود و خود حضرت رسول(ص)، «لِیْلَةُ الْقَدْرِ» و صاحب مقام قرآنی است و اگر لیلة القدر نبود، قرآن به قلب مبارک ایشان نازل نمی‌شد. آن حضرت صاحب مقام و مرتبه قرآنی است که از آن به مرتبه «جمع الجمع» تعبیر می‌شود: «لِیْلَةُ الْقَدْرِ»؛ مقام جانفزایش جمع جمع است ...

وی اظهار کرد: اگر پیامبر(ص) صاحب مقام قرآنی نبود، قرآن بر او نازل نمی‌شد؛ پس این مقام اولین تعیین ذات است؛ تعیین ذاتی که آن مقام قرآنی و آن مقام حقیقت محمدی است و این مقام حقیقت محمدی با آن مقام قرآنی در آن ذات با هم ارتباط دارند و در این مرتبه نزول نیز در شب قدر نازل شده است: «لِیْلَةُ الْقَدْرِ»؛ صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی؛ آنچه که در آنجا مقدر شده به همان صورت نازل شده است.

اعوانی خاطرنشان کرد: بنابراین این مقام قرآنی که مقام حکمت است و بر قلب حضرت رسول(ص) نازل شده، واقعاً نکته بسیار مهمی است. همه اهل ایمان – بسته به درجه ایمان خود – از این حکمت الهی بهره دارند، اما کمال آن متعلق به حضرت رسول(ص) و سپس آن کسی است که حضرت او را باب مدینه علم و برادر خود (در ماجرای بسیار مهم عقد اخوت) خواند.

این شب قدری که داریم، بیان زمینی شب قدر اصلی است که در ذات الهی است؛ همه چیز مقدر و متعین شده و قرآن از ذات حق نازل شده است و «؛إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اشاره به همین معنا دارد

وی اضافه کرد: بنابراین هر که از ایمان و ولایت الهی بهره دارد، به همان میزان از حکمت بهره دارد و به همین جهت است که حکمت در سرزمین تشیع رشد پیدا کرده است. اگر سیر حکمت را در جهان اسلام دنبال کنیم، مشاهده می‌کنیم که این سیر حکمت در بلاد دیگر اسلامی نبوده و آنان همه مخالف حکمت بودند، زیرا همگی مخالف عقل بودند؛ عقلی که در قرآن و کلام ائمه معصومین(ع) آن همه مورد تأکید قرار گرفته است (همچنان‌که برای نمونه باب نخست کتاب اصول کافی به «؛عقل و جهل» اختصاص یافته است و ...).

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی تصریح کرد: هدایت الهی که در تعالیم و کلمات حضرت امیر مؤمنان علی(ع) به عنوان جانشین و خلیفه رسول الله(ع)، تالی تلو پیامبر(ص) و قرآن ناطق و ناطق به حق بوده، به جامعه اسلامی منتقل شده است. البته حکیم یکی از نامهای خداوند است و اختصاص به قوم خاصی ندارد. خداوند همه اقوام را آفریده و آنان را هدایت کرده و انبیاء(ع) و اولیاء و حکما در هر جا که بوده‌اند، از حکمت بهره داشته‌اند.

وی با بیان این‌که قرآن به حکمت جامع دعوت کرده است، گفت: کلمه قرآن جامع حکمت است و پیامبر(ص) خود فرموده است که «؛اوتیت جوامع الکلم». بنابراین قرآن يك دید بسیار جهانی دارد و حکمت‌های دیگر را نفی نمی‌کند و در پرتو تعالیم ائمه اطهار(ع) و خاصه در رأس آنها علی(ع)، يك جریان عمیق و دقیقی به نام حکمت الهی در جهان اسلام به منصف ظهور رسیده که تا به امروز هم آثار و برکات آن را می‌بینیم.